تنها سوره‏اى است كه بر هر مسلمانى واجب است روزانه ده بار آن را در نمازهاى شبانه روزى بخواند و در صورت ترك عمدى نماز او باطل

است. «**لاصلاة الاّ بفاتحة الكتاب**»(مستدرك، ج‏4، ح‏43652)  بنا به روایت جابربن عبداللّه انصارى از رسول اكرم ص: این سوره بهترین سوره‏هاى قرآن است. و به نقل ابن عباس؛ سوره‏ى حمد اساس قرآن است. در حدیث نیز آمده است: اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و زنده شد، تعجّب نكنید.(بحار، ج 92، ص 2573)

یکی از سوره‌هایی که برای آن شأن نزولی نقل نشده، سوره حمد و آیات آن است. سوره حمد دارای هفت آیه است که هر یک از این آیات اشاره به مطلب مهمى دارد

.  
سؤال: **آیا «بسم‏اللَّه الرّحمن الرّحیم» آیه‏اى مستقل است؟**  
پاسخ: به اعتقاد اهل‏بیت رسول اللّه‏علیهم السلام كه صد سال سابقه بر سایر رهبران فقهى مذاهب دارند و در راه خدا به شهادت رسیده و در قرآن نیز عصمت و پاكى آنها به صراحت بیان شده است، آیه «بسم‏اللَّه الرّحمن الرّحیم» آیه‏اى مستقل و جزء قرآن است. فخر رازى در تفسیر خویش شانزده دلیل آورده كه «بسم‏اللَّه» جزء سوره است. آلوسى نیز همین اعتقاد را دارد. در مسند احمد نیز «بسم‏اللَّه» جزء سوره شمرده شده است.(مسند احمد، ج‏3، ص 177 و ج‏4، ص 85) برخى از افراد كه بسم‏اللَّه را جزء سوره ندانسته و یا در نماز آن را ترك كرده‏اند، مورد اعتراض واقع شده‏اند. در مستدرك حاكم آمده است: روزى**معاویه** در نماز «بسم‏اللَّه» نگفت، مردم به او اعتراض كردند كه «أسرقت أم نَیستَ»، آیه را دزدیدى یا فراموش كردى؟!(مستدرك، ج‏3، ص‏233)  
امامان معصوم‏علیهم السلام اصرار داشتند كه در نماز، بسم‏اللَّه را بلند بگویند. امام باقرعلیه السلام در مورد كسانى كه «بسم‏اللَّه» را در نماز نمى‏خواندند و یا جزء سوره نمى‏شمردند، مى‏فرمود: «سَرقوا اكرم آیة»(بحار، ج 85، ص 20) بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند. در سنن بیهقى در ضمن حدیثى آمده است: چرا بعضى «بسم‏اللَّه» را جزء سوره قرار نداده‏اند!(سنن بیهقى، ج‏2، ص‏50)

برای سوره فاتحه چند اسم است. یکی «حمد» به مناسبت آن که سوره مشتمل بر حمد خداوند است و یکی «فاتحه » به مناسبت افتتاح قرآن یا افتتاح نماز به این سوره. سوم «ام الکتاب »،ام به چیزی می گویند که در بر دارنده چیزی باشد، مثل ام الراس که اسم پرده نازک روی مخ است و چون فاتحه الکتاب در واقع همانند فهرست و خلاصه ای از تفصیل کتاب مجید در مباحث اعتقادی واخلاقی و احکام است، لذا آن را «ام الکتاب » گفته اند.

معنی دیگر «ام » شروع است:

قبل از اسلام عرب های مشرک کارها را به نام بت ها شروع می کردند باسم اللات و العزی - مکتب اسلام آمد تا بت را بردارد، برای اشباع حس عادت باید چیزی به جای آن بگذارد. «باسم الله » راگذارد که در تمام مواقع آن را بگویند.

ب) اسلام دین توحید است و تبلیغ توحید هنگامی به نتیجه کامل می رسد که همواره نام خداوند برده شود و دل های مردم رنگ توحیدبگیرد. یکی از راه های حصول این نتیجه تکرار لسان است. از این رو اسلام بر «بسم الله الرحمن الرحیم » تاکید کرده و هر امری که شانی دارد باید به نام خداوند شروع شود. اثر این دستورتمرین همیشگی «توحید» و روح خداپرستی در اجتماع است.

خداوند صفات متعددی دارد ولی در تمام مواقع در کنار عبارت «بسم الله » «الرحمن الرحیم » را می آوردحال آن که ممکن بود بگوید «بسم الله العلیم الحکیم »، «بسم الله الجبار المنتقم » و همچنین سایر صفات

نکته مطلب، در جلب قلوب مردم از راه رحمت است. برای جمع آوری مردم هیچ نیرویی بهتر از رحمت - که موجد امید است نیست

.

تفاوت حمد و مدح

در حمد، ثنای بر جمیل اختیاری است پس اگر در موجودی جمال غیراختیاری باشد تمجید او را «مدح » می گویند نه «حمد».

درخشندگی برلیان یا درخشانی آفتاب را نباید به حمد تعبیر کرد«حمدت اللولو یا حمدت الشمس » درست نیست، باید گفت:

«مدحت اللولو والشمس ».

این نکته واضح است که خداوند در خلقت عالم اراده و اختیارداشته و برای او جبری در خلقت نبوده است، از این رو «حمد»تعبیر شده است.

عظمت خداوند و ناچیزی حمدگو

در آیه، «احمدک » یا «احمدالله » نیامده بلکه «الحمدلله »گفته است. زیرا استحقاق خداوند برای ثنا و تمجید، آن قدر عظیم است، که گویا گوینده خود را لایق تقدیم حمد نمی داند و نمی تواندبگوید من تو را حمد می کنم. زیرا تو بزرگتر و من کوچکتر از آنم که «حمد» خود را با درنظر گرفتن شخصیت خود، تقدیم پیشگاه مبارکت کنم، بلکه با صرف نظر از شخصیت خود «حمد» را تقدیم می کنم.

### خداوند رب عالم است

در آیه عبارت «رب العالمین » آمده و خالق نگفته است. عالم هستی نه تنها در خلقت احتیاج به خداوند دارد بلکه در هر لحظه این احتیاج باقی است و خداوند در هر لحظه مربی عالم است ودایما فیض تربیت از خداوند سبحان برای بقا و دوام عالم می رسد.

این موضوع همان بحث علمی است که «آیا احتیاج ممکن واجب ازراه امکان است یا حدوث » بر اساس دیدگاه کسانی که احتیاج رافقط به علت حدوث می دانند، پس از خلقت احتیاج عالم از خداوندقطع شدنی است. مانند بنا که احتیاجش به بنا برای حدوث است، ازاین رو اگر بنا بمیرد بنا باقی است ولی این گفته در باره خداوند و عالم هستی خلاف تحقیق است. احتیاج عالم به خداوند ازجهت امکان است و چون امکان دایمی است از این رو احتیاج دایماهست. از رب العالمین می توان به این نکته توجه کرد که تربیت فیض تدریجی و دایمی است و باید همیشه باشد.

### غیرالمغضوب علیهم ولاالضالین

الف) بعضی «مغضوب علیهم » را یهود «وضالین » را نصاری دانسته اند. البته یهود و نصاری از باب بیان مصداق است ولی منحصر به این دو نیست. زیرا بدتر از یهود و نصاری، مادیین وبسیاری از مشرکین هستند.

ب) ممکن است گفته شود «مغضوب علیهم » کسانی هستند که گرفتارگناه در قوای جسمانی و اعمال بدنی هستند «وضالین » کسانی هستند که گرفتار انحراف فکری اند.

به عبارت دیگر از خداوند درخواست دوری از راه مردمی که گرفتارگناه در قوای بدنی و انحراف در قوای روحی هستند را می نماییم.

ج) احتمال دیگر در معنای آیه این است:

مردم بر سه دسته اند; کسانی که وارد صراط مستقیم شدند و تاپایان عمر بر آن صراط پابرجا بوده اند. و کسانی که وارد صراطمستقیم شدند. ولی بعد، انحراف پیدا کردند و سوم کسانی که ازاول دچار گمراهی و انحراف بودند.

دسته اول «انعمت علیهم » و دسته دوم «مغضوب علیهم » و دسته سوم «ضالین » در باره هر یک از دو دسته آیاتی در قرآن است.

.